

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

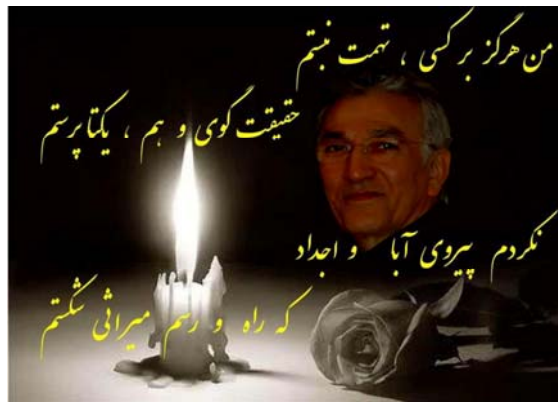
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۷ مارچ ۲۰۲۱



یکی از چهارپاره های بانو گلرخسار (مادر شعر تاجکستان) که چنین سروده شده:

" از ایران گل بیارید، گل بکارید گل هم رنگ و بوی شعر حافظ
از ایران هدیه دیگر نخواهم بجز جام و سبوی شعر حافظ..."

به تاریخ ۱۴ جون ۲۰۱۸ از مسنجر ف ب وسیله یکی از دوستان فرهنگی دریافت که از خواندن آن عنان اختیار از کف رفته خامه شکسته ام به جولان و به ارتباط، چنین رقم و تقدیم حضور شان گردید. امید طرف پسند آن بزرگوار قرار گرفته افتخارم بخشند.

گلِ اخلاص

بهار و باغ و بستان میفرستم
بنفشه، ارغوان و یاس و نرگس
گلاب و سوسن و سوری و سنبل
گل صلح و صفا و مهر و الفت
گل خوشبو ز باغ طبع حافظ
هزار و عندلیب و صلصل و سار
غزل از مستی خون رگ تاک
رحیق ناب از خم های شیراز

گل و گلبرگ و گلدان میفرستم
شقایق، عشق پیمان میفرستم
گلِ نسرین و ریحان میفرستم
یکی نه، صد هزاران میفرستم
اگر خواهی (به هر آن) میفرستم
قناری های خوشخوان میفرستم
خمار از چشم جانان میفرستم
به جام و ساغر جان میفرستم

نشاط و مستی و سُکر تغزل
 صراحی و سبوی پُر مَوَدَّت
 اگرچه زاده، افغانستّانم
 به (گلرخسار) آن بانوی فرهنگ
 گلِ نغز، از بهارِ آرزو ها
 حدیثِ مهر از دفترچهٔ شعر
 سنائی و ز مولانا و عطار
 رباعی، از خیام و سهروردی
 ز ورقا و نعیم و قره العین
 دل از خوبان شیراز و میانه
 ز لرستان و خوزستان و مشهد
 ز مشکِ سودهٔ شبهای کابل
 به بزمِ می‌کشان و باده‌نوشان
 شراب و شربت و هم‌شهد و شکر
 گهرهای ادب از بحرِ فرهنگ
 زَمَرْد، لاجورد و لعل و یاقوت
 گلی با رنگ و بویِ مهر و الفت
 درود بیحد و حصرم حضور
 سلام و حرمت و عرضِ ارادت
 که بشکسته سر و دندان ملا
 دریده پردهٔ وَهَم و خُرافات
 بهارِ پر گلِ اخلاصِ خود را
 موانع گر شدی در بین ایجاد
 ز «نعمت» گر پذیری این نشیده

بساطِ عشق و عرفان میفرستم
 حضورت از خراسان میفرستم
 ز المان، تاجیکستان میفرستم
 دوشنبه و به ختلان میفرستم
 به گیسوی پریشان میفرستم
 ز غزنی، بلخ و سیستان میفرستم
 ز بیدل، دُرّ به دامان میفرستم
 ز نیشاپور و زنجان میفرستم
 بشاراتی ز ایشان میفرستم
 ز قزوین و ز تهران میفرستم
 ز تبریز و ز کاشان میفرستم
 شمیمِ صبحگاهان میفرستم
 ز آبِ سردِ پغمان میفرستم
 ز تاک و توتِ پروان میفرستم
 چو مروارید و مرجان میفرستم
 ز پنجشیر و بدخشان میفرستم
 خزان و در زمستان میفرستم
 "امام علیّ رحمان" میفرستم
 تحیاتِ فراوان میفرستم
 بقربانش دل و جان میفرستم
 سرِ تعظیم، به ایشان میفرستم
 به نقدِ جان، شتابان میفرستم
 چو رعد و برق و طوفان میفرستم
 سپاس و حمد و شکران میفرستم

گل و خلاص (۱)

بهار و باغ و بستان میفرستم گل و کبیرک و گلدان میفرستم
 بنفشه ، درغولون و یاس و زرک شقایق ، عشق پیمان میفرستم
 گلاب و سون و سور و سنبل گل نسرین و ریحان میفرستم
 گل صلح و صفا و مهر و ولفت یکی نه ، صد هنروران میفرستم
 گل خوشبو ، ز باغ طبع حافظ لکر خولای ، به هر آن میفرستم
 هنرور و عنذیب و صلص و سار قنار هر خوشخون میفرستم
 عنزل ، از مستی خون رک تاک خسار ، از چشم جانان میفرستم
 ریحق ناب ، از خشم هر شیراز به جام و ، ساعنر جان میفرستم
 نشاط و مستی و سُکر و تغزل باط عشق و عسرفان میفرستم
 صراحی و سبور پر مودت حضرت ، از خروسان میفرستم

لاکرچه ، زلوه و غسانتنام
 به (گلخار) آن بانور فرهنگ
 گل نغز ، از بهار آرزو ؛
 حدیث مهر از دسترچه شعر
 سنایی و ، ز مولانا ، عطار
 رباعی ، از خیام و سروردر
 ز و رقا و ، نعیم و ، قره لعلین
 دل از خوبان شیراز و ، میانه
 ز لرستان و ، خوزستان و ، مشهد
 ز مشک سوده شمسار کابل
 به بزم می کشان و ، باده نوشان
 ز آلب سرد پغمان میفرستم
 ز آلسان ، تاجیکستان میفرستم (۲)
 دوشنبه و ، به ختلان میفرستم
 به کیوسر پریشان میفرستم
 ز عنزنی ، بلخ و سیستان میفرستم
 ز بیدل ، در به دلمان میفرستم
 ز نیشاپور و ، ز نجبان میفرستم
 بشاروتی ز ایشان میفرستم
 ز قزوین و ، ز تهران میفرستم
 ز تبریز و ، ز کاشان میفرستم
 شمس ، صیگهان میفرستم
 ز آلب سرد پغمان میفرستم

شراب و شربت و هم شهد و شکر
 کھسره لادب، لاجر فرھنگ
 زمرّد، لاجورد و، لعل و یاقوت
 گلی بارنگ و بوسه مهر و لفت
 درود بیحد و حصرم، حضور
 سلام و حرمت و عرض ارادت
 کہ بشکته سرو، دندان ملا
 دیدہ پردہء وهم و خسوفات
 بھار پر گل لاجلای خود را
 مولیٰ گر شد در بین لایجاد
 ز «نعمت» گر پذیر این نشیدہ
 (۳)
 ز تاک و توت، پروان میفرستم
 چو مرولید و، مرجان میفرستم
 ز پنچشیر و، بدخشان میفرستم
 خنزلون و در زمستان میفرستم
 (ایا معالی رحمان) میفرستم
 تحیات، فرولان میفرستم
 بہ قربانش، دل و جان میفرستم
 سر تعظیم، بہ ایشان میفرستم
 بہ نقد جان، شتابان میفرستم
 چو رعد و برق و طوفان میفرستم
 پیاس و، حمد و، شکران میفرستم